

## بازشناسی عناصر تاریخی هسته شهر ایرانی (مطالعه موردی: هسته تاریخی مرکز شهر کرمانشاه)

کیومرث ایراندوست<sup>۱\*</sup>، کسری آشوری<sup>۲</sup>، بهیه هاشمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه کردستان  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه کردستان  
<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه کردستان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۱۹

(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۱۴)

### چکیده

با آغاز روند نوسازی معاصر بسیاری از ساختارها و عناصر شهر کهن ایرانی اسلامی دچار دگرگونی شدند. از این رو بسیاری از عناصر هویت بخش شهری که تاریخ و پیشینه و شخصیت شهر را در خود داشت به مرور از میان رفت و شهرها در پرشتاب‌ترین دگرگونی تاریخی تا آن زمان، شکل و ساختار تازه‌ای یافتند. شهر قدیم در این روند دگرگونی عناصر دارای کارکرد اجتماعی را از دست داد و عناصری جدید و بیش‌تر با محوریت خودرو را جایگزین آن کرد. شهر تاریخی کرمانشاه که بر سر راه تجاری ایران- میان‌رودان، با پیشینه‌ای تاریخی درخور، در دوران مختلف پیش و پس از اسلام از اهمیت چشمگیری برخوردار بود و بنا بر اسناد تاریخی تا اواخر دوره قاجار در اوج رونق و شکوفایی بوده است. از این رو، در دوران تاریخی کرمانشاه از مرکز شهری پویا و با عناصر گوناگونی برخوردار بود. پس از آن، با فرایند نوسازی این شهر نیز چون بسیاری از شهرهای ایران، تحولات عمیقی را تجربه کرد و با دگرگونی کارکرد آن و نیز ورود خودرو و دیگر نمادهای نوسازی، مرکز شهر دچار دگرگونی ژرفی شد؛ به گونه‌ای که ماهیت مرکزیت و هویت آن از میان رفت و به تدریج به فراموشی سپرده شد. هدف از این پژوهش که به روشی توصیفی تحلیلی انجام گرفته، بازشناسی عناصر هسته مرکزی شهر کرمانشاه با استفاده از منابع، اسناد، سفرنامه‌ها و مدارک مرتبط است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به جایگاه شهر کرمانشاه در اواخر قاجاریه مرکز شهر از عناصر گوناگون با عملکرد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب یک نظام سامان یافته برخوردار بود. این عناصر با توجه به شرایط زمان، منعکس‌کننده روابط قدرت، مذهب، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع بودند که امروزه برخی از آن‌ها کاملاً از یاد رفته‌اند. عمده‌ترین این عناصر عبارت بوده‌اند از قصر حکومتی، میدان مشق، نقاره‌خانه، مسجد جامع، بازار، میدان توپخانه و دیوان‌خانه.

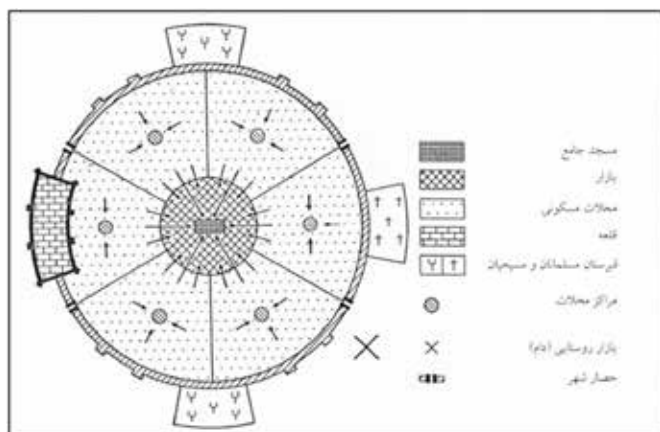
واژگان کلیدی: مرکز تاریخی شهر، عناصر مرکز شهر، ساختار شهر، کرمانشاه.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه‌های گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است. برای این منظور، عمده‌ترین اسناد و اطلاعات مکتوب از جمله کتب قدیمی و سفرنامه‌ها، مقاله‌ها، تصاویر قدیمی و نقشه‌ها بررسی شده است. در بخش میدانی ضمن گردآوری اطلاعات در سطح محل از شیوه‌های کیفی پژوهش مانند مصاحبه با صاحب‌نظران و افراد قدیمی شهر بهره گرفته شده است.

### عناصر هسته تاریخی شهر ایرانی

پیش از اسلام بیش تر شهرها به گونه کلات ساخته می‌شدند و دارای برج و بارو بودند. مردم در این دژها بر پایه رده‌بندی طبقاتی سکونت داشتند. در دوران تاریخی شهرها به سه بخش اصلی از جمله کهن دژ، شارستان و روض تقسیم می‌شدند که مرکز شهر اغلب کهن دژ بود (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۳۳).

فتح ایران در سده هفتم میلادی به دست مسلمانان باعث دگرگونی در ساختار شهرها شد و جهان بینی جدیدی را مبتنی بر برابری گسترش داد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳۸). در این دوره حصارهای داخلی شهر فرو شکست و همه طبقات در داخل حصار قرار گرفتند. کالبد و فضای شهر اسلامی نیز در پی دگرگونی‌های فراگیر و ژرف اجتماعی و بازتاب آن در اجزا و عناصر شهر دگرگون شد. سه رکن مهم شهر در این دوره شامل ارگ، شارستان و روض بود. هاینس گوبه عناصر اصلی شهرهای اسلامی را حصار، دروازه، ارگ، راه‌های بیرون شهری، حومه، شاهراه‌ها، مسجد جامع، سازمان‌های اداری، مدرسه، بازار، کاروان‌سراها و محله‌های مسکونی معرفی کرده است (پوراحمد، ۱۳۹۳: ۹). در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸ ه.ش) دتمان<sup>۱</sup> مدل یک شهر اسلامی - شرقی مطلوب را ترسیم کرد که در این طرح علاوه بر مسجد جامع، بازار را نیز به‌عنوان مرکز و قلب تپنده شهرهای اسلامی به تصویر کشید (شفقی، ۱۳۸۷: ۲۱۲) (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: عناصر شهرهای اسلامی (بر اساس مدل دتمان)،

مأخذ: شفقی، ۱۳۸۷: ۲۱۳

گذر زمان رد پای خود را بر تمامی پدیده‌ها و عناصر بر جای می‌گذارد. شهرها در طول زمان دگرگون می‌شوند و بسیاری از عناصر شهر ناتوان در نو شدن در فرایند پرشتاب دگرگونی نو بازمی‌مانند. از این رو، بسیاری از عناصر و اجزای هویت بخش و تاریخی شهر در روند شتابان شهرنشینی و توسعه شهری عصر مدرن گرایسی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و در این فرایند دچار دگرگونی و گاه نابودی می‌شوند. شهر ایرانی تا پیش از رشد روابط سرمایه‌داری و آغاز دوران نوسازی نوین متأثر از مؤلفه‌هایی چون محیط، فرهنگ، اقتصاد و دین دارای ساختار کالبدی و عناصر مشخصی بود که مرکز شهر به‌مثابه قلب شهر و مرکز جنب و جوش شهری و محیط زندگی انسان تأثیر بسزایی در شکل دهی رفتار و هویت انسان با ارزش‌های نهفته در آن داشت. در این میان، عناصر تاریخی و باارزش شهر را می‌توان تجلی هویت، قلب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر دانست که جایگاه خاص و هویت‌بخشی برای شهر داشته است. پس از آغاز دوران نوسازی (به‌ویژه خیابان‌کشی‌های چلیپایی رضاخان در دوران معاصر) با ورود تکنولوژی نوین به‌ویژه خودرو به شهرها و دگرگونی ساختار اقتصادی و نیز قرارگیری شهرها در فرایند جهانی‌شدن، شکل‌گیری متفاوتی از ارزش زمین و مکان و فعالیت را به دنبال داشت که پیامد آن دگرگونی ژرف ساختار و عناصر تاریخی شهر بود. در این دگرگونی، عناصر تاریخی شهر به‌ویژه در مراکز شهر که بخش عمده‌ای از تاریخ و هویت شهر را در برداشت دچار فرسایش و بیش تر نابودی شد و یا اغلب در حال فراموش شدن هستند. شهر کرمانشاه به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استانی به همین نام از اهمیت تاریخی درخوری برخوردار است. هسته مرکزی شهر کنونی آن در دوره زندگی شکل گرفته و در دوره‌های مختلف مورد توجه بسیاری از پادشاهان و حکومت‌ها بوده است. شهر کرمانشاه تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن بر سر راه تاریخی ایران به بین‌النهرین (راه ابریشم) و نیز اماکن مذهبی عراق و به مثابه مرکز منطقه‌ای وسیع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. مرکز این شهر دارای ساختاری پویا و متأثر از این عملکرد بود که در دوران رضاخان هسته تاریخی آن به دنبال اجرای خیابان‌های چلیپایی در مرکز شهر که شامل ارگ حکومتی، سبزه‌میدان (شامل عناصری از قبیل نقاره‌خانه، گمرک، دیوان‌خانه و...)، میدان مشق و بازار بود، از هم گسیخت و امروزه کالبد و عملکرد گذشته تا حد زیادی از بین رفته است. این مقاله در پی آن است تا با بازشناخت عناصر هسته تاریخی شهرهای ایرانی به شناسایی آن عناصر در شهر کرمانشاه بپردازد که می‌تواند در بازآفرینی مرکز شهر به‌عنوان عنصر اصلی و هویت‌بخش ایرانی به کار گرفته شود.

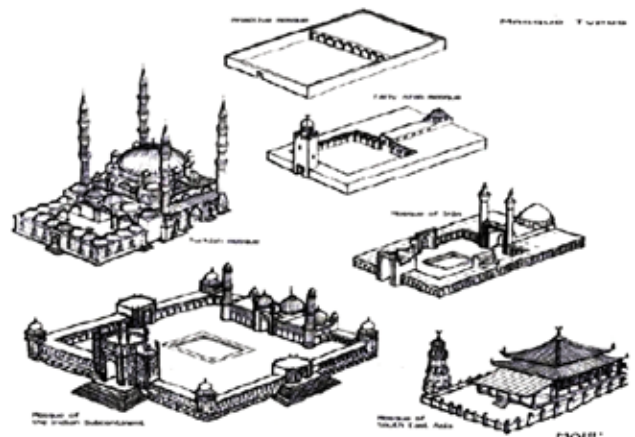
از سوی دیگر یکی از مشخصه‌های شهر شرق اسلامی و بخش جدایی‌ناپذیر شهرهای ایرانی شمرده شده است (ایراندوست، ۱۳۹۰: ۶) که نبض حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر را در خود جای داده و دروازه‌های اصلی شهر را به یکدیگر متصل ساخته است. بدین ترتیب که بازارهای اصلی و دائمی در جهت اصلی‌ترین محور شهری جای می‌گرفته و از یک دروازه شهر آغاز و به مرکز شهر یا دروازه دیگر شهر (همانند شهر کرمانشاه که بازار از دروازه چقاسرخ تا دروازه پل سید جمعه) ختم می‌شده است (زنگانه و دیگران، ۱۳۹۱). هسته اولیه اغلب بازارها در نزدیکی یکی از پر رفت و آمدترین دروازه‌های شهر تشکیل می‌شد (تصویر شماره ۳). این هسته ابتدا در پشت روض و دروازه شکل می‌گرفت و سپس به داخل شارسن کشیده می‌شد. بازارها در گسترش و توسعه شهرهای ایرانی-اسلامی نقش مهمی را به عهده داشتند؛ به گونه‌ای که در شهرهای تازه تأسیس بازار ابتدا در ارتباط فضایی با مسجد و مقر حکومتی بنا می‌شد (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۹۱). در حقیقت، عناصر کالبدی در بازارهای شهرهای اسلامی به صورت یک سیستم عمل می‌کردند؛ به این معنا که هر یک دارای هویتی مستقل و درعین حال وابسته به یکدیگر بوده‌اند. این عناصر شامل کوچه، گذر، راسته، اصناف، سرا و تیمچه، خان، کاروان‌سرا، قیصریه، چهارسوق و میدان می‌شود (رجبی، ۱۳۸۵: ۷۴). در بازارهای اسلامی اغلب هر رسته به یک نوع فعالیت خاص اختصاص دارد که تحت عنوان تخصصی بودن بازارها عنوان می‌شود (شفقی، ۱۳۸۷: ۲۱۲). در کنار یا امتداد برخی از بازارهای مهم در شهرهای بزرگ یک میدان شهری یا ناحیه‌ای وجود داشت (سلطانزاده، ۱۳۸۰: ۷۰) که دهانه اصلی بازار به این میدان باز می‌شد و شاخه‌های خود را در شهر می‌گسترانند. بر گرداگرد این مجموعه محله‌های شهری بنا بر موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش در کنار هم قرار می‌گرفتند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۷۷).



تصویر شماره ۳: شهر کرمان دروازه‌ها، محلات، فضاهای حکومتی و بازار، مأخذ: ضرابی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۷۵

بسیاری از پژوهشگران ایران نیز در مورد شهرهای ایرانی اسلامی، کهن دژ، شارسن، روض و بازار خطی از دروازه تا مسجد جامع را به عنوان عناصر و مشخصه‌ها و ساختار اصلی شهر اسلامی یاد کرده‌اند (سلطانزاده، ۱۳۹۰، ۱۹۹-۲۳۰). محمد توسلی با تکیه بر مرکز شهر، آن را به عنوان پدیده‌ای خاص مورد بررسی قرار داد: مرکز شهر از عناصر اصلی شهر شامل مسجد جامع، بازار، مدرسه علمیه، میدان، تکیه، حمام و کاروان‌سرا تشکیل شده و ارتباط قوی و یکپارچه فضایی میان عناصر مجموعه مرکز شهر وجود داشته است (توسلی، ۱۳۶۴).

با توجه به این که دولت اسلامی در شهر تولد یافت و با توجه به این که تشکیل این دولت برای نخستین بار در مسجد صورت گرفت، بنابراین مسجد جامع به یکی از ویژگی‌ها اصلی شهر بدل شد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۲). مسجد جامع نخستین مکانی بود که پس از فتح هر شهر ساخته می‌شد و افزون بر نقش مذهبی، نقش‌های سیاسی و اجتماعی بسیار قوی داشت. در همه شهرها مسجد جامع ساختمانی یگانه بود و هیچ‌گاه دو مسجد جامع در هر شهر ساخته نمی‌شد (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). مسجد جامع محوری‌ترین مکان فعالیت‌های فردی و اجتماعی هر فرد مسلمان محسوب می‌شد و افزون بر آن سرای مسجد جامع به دلیل کمبود فضای عمومی در این دوره نقش فضایی عمومی را ایفا می‌کرد. نقش مسجد جامع در دوران اسلامی با روی کار آمدن حکومت‌های مختلف و بسته به قدرت آن‌ها متفاوت بود (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۹۰: ۲۷۹) (تصویر شماره ۲) و در گذر زمان مسجد جامع و دیگر مساجد بیش از آن که محلی برای عبادت باشند، مکانی برای خودنمایی حکومت‌ها شدند و ظاهر پرشکوهی یافتند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۵).



تصویر شماره ۲: مسجد جامع عنصر اصلی در شهرهای اسلامی،

مأخذ: حبیبی و روحانی، ۱۳۹۴: ۶۷

در کنار مسجد جامع، عنصر بارز دیگر بازار یا سوق در شهرهای سنتی اسلامی دیده می‌شود که بر فعالیت‌های بازرگانی تمرکز داشت. بازار به‌مثابه ستون فقرات شهرهای اسلامی، از یک سو یکی از شاخص‌های اعتبار شهر در دوران تاریخی بوده و

ویژگی و کارکرد اداری - سیاسی و نظامی اغلب شهرهای ایران و استقرار مقامات اداری - سیاسی در آن‌ها، به فضایی برای پاسخ‌گویی به کارکردهای مزبور نیاز داشت. هر حاکم در محل مأموریت خود برای اداره و سامان‌دهی امور داخلی و آمادگی در برابر خطرهایی که از سوی عوامل خارجی شهر را تهدید می‌کرد، همواره لشگری آماده به خدمت داشت. تجمع این سپاه در برابر دارالحکومه و قصر والی از عواملی بود که ضرورت شکل‌گیری فضایی وسیع را که میدان خوانده می‌شد، پدید می‌آورد (سلطانزاده، ۱۳۹۰: ۲۳۵). با آن‌که جنبه اداری - نظامی و تشریفاتی میدان، مهم‌ترین کارکرد و علت وجودی بیش‌تر و چه بسا همه میدان‌ها در بیش‌تر شهرهای ایران بود، اما هرگز تنها کارکرد آن نبود، بلکه در بسیاری از میدان‌ها، بازارها و مغازه‌هایی نیز تشکیل می‌شدند. آن‌چه باعث رونق بازارهای شکل‌گرفته در میدان می‌شد، جنبه تفریحی برخی از فعالیت‌های جاری در آن بود (پیشین). علاوه بر عناصر ذکرشده میدان اصلی در شهرهای اسلامی شامل عناصر دیگری در اطراف می‌شد که بسته به حکومت و خواسته‌های آن متفاوت بوده است.

اما بخش اصلی و مرکز حکومت شهر ارگ که همان جانشین کهن‌دژ در شهرهای باستان بود مقر حاکمان و اصلی نظامیان در شهرهای سنتی ایرانی بود. این بخش از شهر به دلیل برخورداری بیش‌تری از استحکام کم‌وبیش در برخی از شهرهای اسلامی از جمله شهرهای قدیمی ایران وجود داشت (پوراحمد، ۱۳۹۳: ۱۳). با توجه به اینکه اغلب سلسله و حکومت‌های حاکم بر کشور پایه‌ای مردمی نداشتند و برای پایداری خود از انجام هیچ ستم و جفایی خودداری نمی‌کردند، در نتیجه علاوه بر عوامل خارجی از سوی نیروهای داخلی نیز مورد تهدید بودند و ارگ ضمن آن‌که محل استقرار حاکم و عوامل تحت فرمان او بود همواره از آنان در برابر عوامل داخلی و خارجی حمایت می‌کرد (سلطانزاده، ۱۳۹۰: ۲۲۴). ارگ در شهر با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی (مانند ارتفاع، راه‌های منطقه‌ای پیرامون آن و موقعیت نظامی و دفاعی شهر در منطقه مکان‌یابی می‌شد (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۳۴). افزون بر این عوامل، چگونگی قرارگیری فضاها و عناصر مهم هر شهر مانند بازار، مسجد جامع و مهم‌ترین دروازه‌های شهر می‌توانست در شکل‌گیری محل استقرار ارگ تأثیر داشته باشد، زیرا اغلب سعی می‌کردند محل ارگ با فضاهای یادشده در ارتباط باشد. در دوران نوسازی و با تحولات ژرف و رشد سرمایه‌داری و دگرگونی عملکرد شهرها بسیاری از این عناصر سنتی شهر ایرانی نابود شده و به‌ویژه مرکز شهر خالی آن‌ها شد.

پس از دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی، یعنی گسترش سرمایه‌داری در ایران و هم‌چنین شکل‌گیری مازاد اقتصادی حاصل از صادرات نفت که نتیجه آن تمرکز سرمایه، زیرساخت‌ها و امکانات اشتغال در پایتخت و شهرهای بزرگ، شبکه شهری

به کلی دگرگون گردید و روابط ارگانیک آن گسیخته شد. در نتیجه این دگرگونی عملکردی، ارتباطات متقابل در شبکه شهری در بسیاری از مناطق دچار دگرگونی و گسیختگی شد (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۱۶). این تغییرات و دگرگونی‌ها به نحوی بود که بتواند نماد پیشرفت و توسعه در شهرها باشد. استقرار حکومت پهلوی در این زمان سرآغاز دوره جدیدی در ایران به‌شمار می‌رود. دولت رضاخان پرچم‌دار نوگرایی بود و در اولین برخورد، دگرگونی سازمان کهن شهری را مد نظر قرار داد (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۹۹). پس از آن و به تدریج تبدیل بازارها به پاساژها، حمام‌های عمومی به شخصی، تبدیل میدان‌های شهری به فلکه‌ها و خیابان، قهوه‌خانه‌ها به کافی‌شاپ، زورخانه‌ها به سالن‌های ورزشی، تغییر الگوی سکونت از ویلایی به آپارتمانی، تبدیل شبکه معابر ارگانیک به غیر ارگانیک، کم‌رنگ شدن انسجام اجتماعی محله‌ای، تبدیل کاروان‌سراها به هتل‌ها و مسافرخانه‌ها، کم‌رنگ شدن نقش مساجد و حسینیه‌ها، از بین رفتن آب‌انبارها و از بین رفتن نقش ارگ و برج و باروی شهر از جمله این دگرگونی‌ها در هسته مرکزی شهرهای ایرانی - اسلامی است (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۴). در این دوران تغییر و تحول، میدان‌ها و محله‌های قدیمی نیز جای خود را به میدان‌ها مدرن دادند و خیابان‌کشی‌های چلیپایی در شهرها به اجرا درآمد. به‌این ترتیب روند پاک‌سازی مظاهر معماری و شهرسازی دوران پیش از آن، سیمای تمام شهرهای ایران را تغییر داد و شهر و ملزومات آن، برآیندی از نیازهای دولت مدرن را برآورده می‌کرد (کاستللو، ۱۳۷۱: ۲۱۳) و موجب انطباق شهر و ساختار آن با نیازهای دوران جدید شد که به‌مرور با دگرگونی عناصر صنعتی به کاست هویت و حس تعلق و ارزش بافت‌های کهن در شهرهای ایرانی - اسلامی دامن زد.

### شهر کرمانشاه

شهر کرمانشاه در غرب ایران اکنون مرکز استان کرمانشاه است که مرکز منطقه‌ای بسیار وسیع‌تر از مرزهای سیاسی استان به‌شمار می‌رود و در چند دهه گذشته رشد چشمگیری را تجربه کرده است. این شهر در یک دشت ناودیسی به وسعت تقریبی ۱۱۰۰ کیلومتر مربع قرار گرفته که توسط رودخانه قره‌سو به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده است.

این دشت در میان رشته‌کوه‌های موازی زاگرس قرار گرفته است و از شمال به کوه‌های پراو و بیستون و از جنوب به رشته سفیدکوه محدود می‌شود. به دلیل وجود ارتفاعات دو سوی و ساختار کارستیک آن، دشت از منابع آبی زیرزمینی و جاری بسیار غنی برخوردار است و این خود راز پایداری شهر در سده‌های گذشته با وجود رویدادهای تاریخی فراوان بوده است (ایراندوست، ۱۳۸۰: ۴۱). میانگین ارتفاع شهر کرمانشاه از سطح دریا ۱۳۲۲ متر است که از دو سوی شمال و جنوب به سمت مرکز دشت از ارتفاع



آن کاسته می‌شود. متوسط درجه حرارت سالانه آن ۱۵/۳ درجه سانتی‌گراد و متوسط بارش سالانه آن ۴۲۰ میلی‌متر است. نوع اقلیم شهر کرمانشاه بر اساس روش آمبروزه، نیمه‌خشک سرد و در روش دومارتن مدیترانه‌ای سرد است. شهر ساخته شده، بیش‌تر دشت را با مساحت حدود ۸۷۹۶ هکتار پوشانده است.

## تاریخ شهر

منطقه زاگرس، از جمله دشت کرمانشاه با توجه به شرایط اقلیمی مساعد، بستری مناسبی برای تکوین و تکامل اجتماعات متعدّد انسانی در قالب شیوه‌های گوناگون معیشت بوده است. سابقه کوچندگی و دامداری در این ناحیه بسیار دیرینه و مدارکی در دست است که پیدایش نخستین جوامع یکجانشین و کشاورز در منطقه زاگرس به‌ویژه در اطراف کرمانشاه را ثابت می‌کند؛ این مدارک نشان می‌دهد که دشت کرمانشاه و اطراف آن خاستگاه کهن‌ترین و دیرینه‌ترین مساکن و سکونت‌گاه‌های بشری بوده است (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۸۸-۷۸). باستان‌شناسان مجموعه‌ای از کهن‌ترین مساکن را در این منطقه ثبت کرده‌اند. برای نمونه تپه آسیاب در کنار قره‌تپه نزدیک کرمانشاه و گنج‌دره در جلگه گاماسیاب هرسین، بقایای زیستگاه‌های مربوط به حدود ۹ هزار سال پیش را در خود دارند (ایوانف و دیگران، ۱۳۵۹: ۲۴).

از هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد اقوام مهاجری در این ناحیه سکونت گزیدند، لولوبی‌ها، مادها و پارس‌ها از این نمونه بودند. در این دوره این ناحیه محل برخورد اقوام بین‌النهرین (آشوریان و...) و اقوام کوه‌نشین زاگرس بود و در دوره عیلام، منطقه جزئی از پادشاهی آن زمان به شمار می‌رفت.

هروقت در سده پنجم پیش از میلاد یکی از تیره‌های همبستگی شش‌گانه پارسی را به نام گرمانی نام می‌برد که از دیدگاه خاورشناسان این تیره در پیرامون کرمانشاه کنونی سکونت داشت و تبار کرد کرمانج از این طایفه بازمانده است (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۵۱۲). در سنگ‌نبشته‌های به‌جامانده از آشوری سرزمینی به نام نیشانی و در منابع تاریخی از شهری به نام الی‌پی نام برده شده که برخی از صاحب‌نظران باور دارند که بر مکان شهر کنونی کرمانشاه و یا اطراف آن قرار داشته است (سلطانی، ۱۳۷۴: ۳۱).

کرمانشاه در دوران باستان به دلیل هم‌جواری با فرهنگ‌های عیلامی و کاسی از یک‌سو و فرهنگ‌های بین‌النهرین از سوی دیگر، جایگاه استراتژیک داشت و می‌توان گفت «شاهراه تمدن‌ها بوده است» (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۵۱۵). در دوران ماد این ناحیه یکی از مراکز اصلی مادها محسوب می‌شد و در دوره هخامنشیان با عبور جاده شاهی بزرگ رونق و آبادانی این منطقه افزوده شد. سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌های بیستون که در ۵۰۶ پیش از میلاد به فرمان داریوش هخامنشی بر دیواره کوه بیستون در نزدیکی

کرمانشاه نگاشته شد، سندی بر ارزش و اعتبار خاص این ناحیه در دوران هخامنشیان است که یافته‌های اخیر باستان‌شناسی در دشت بیستون این نظر را تقویت می‌کند. پس از انقراض هخامنشیان، آثار تاریخی اهمیت دشت کرمانشاه و اطراف را در دوره سلوکی و اشکانیان تأیید می‌کند؛ اما با این وجود در هیچ یک از موارد نمی‌توان درباره شهرنشینی در این دوره نیز نظر قطعی داد. برخی از مورخان و شهرشناسان، بنای شهر کرمانشاه را به دوران ساسانی نسبت می‌دهند (جکسن، ۱۳۶۹: ۲۴۷؛ بهار، ۱۳۹۰: ۷۳۱؛ جواد و آوزرمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷ و خدیوی، ۱۳۷۹: ۵۵۳)؛ کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های تاق بستان سند محکمی بر وجود شهر کرمانشاه در این دوره است. بیش‌تر مورخان بنای شهر کرمانشاه را به بهرام چهارم نسبت می‌دهند و تعدادی نیز بنای شهر را به دوران قباد پسر فیروز نسبت داده‌اند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۸). مقدسی در احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم از قول کتابی به نام جغرافیای کواذ (جغرافیای قباد) آورده است که «قباد پسر فیروز میان دجله و همدان جایی دلگشا تر از قرماسین نیافت پس آن را برای خود پایه نهاد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۷). حمداله مستوفی در سده هشتم می‌نویسد: بهرام بن شاپور ذوالاکتاف ساسانی کرمانشاه را ساخت و قباد بن فیروز تجدید عمارتش کرد و در جهت خود عمارت عالیه ساخت (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۸، ۱۲۹).

از شواهد چنین پیداست که با توجه ویژگی‌های شهرهای دوران باستان، شهر کرمانشاه با مرکزیت ارگی بر دامنه کوه طاق‌بستان قرار داشت که دیواره کوه به شکل دیواره‌ای دفاعی برای شهر عمل می‌کرد. در اطراف سراب طاق‌بستان شارستان قرار داشت و سرزمین‌های حاصل‌خیز اطراف با روستاهای آن روض را تشکیل می‌داد (سه رکن اصلی شهرهای اسلامی ایران باستان). شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که طاق‌بستان، یکی از پردژها یا یکی از مکان‌های باغ‌گونه پررونق و سرسبز و زیبای اطراف شهرهای بزرگ در دوران ساسانیان روزگار ساسانی بوده است که به‌احتمال گاهی تابستانی برای شکار، بزم و تفریح شاهان ساسانی بود. پیدا شدن سرستون‌ها و آثار معماری بازمانده‌های دیوارهای روزگار ساسانی در پیرامون این مجموعه گواه این امر است (بهرامی و حاجی‌زاده باستانی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

پس از فتح کرمانشاه از سوی اعراب در سال ۲۱ هجری این شهر مرکز ولایات اطراف خود شد و دارای ارج و اعتبار ویژه‌ای بود و هم‌چون دیگر شهرهای مهم مانند همدان، ری و اصفهان مورد توجه دستگاه خلافت قرار گرفت. در سده چهارم هجری سلسله کوچک و مستقلی از طوایف کرد به نام حسنویه بر ناحیه کرمانشاه حکمرانی می‌کرد که مرکز آن در دینور، در نزدیکی کرمانشاه قرار داشت. در این دوران کرمانشاه با توجه به موقعیت آن بر روی شاهراه خراسان و نیز شاهراهی که به آذربایجان می‌رفت از اهمیت خاصی برخوردار بود (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۰۳-۲۰۵)، ولی آبادانی شهر

در قرن‌های نخستین دوره اسلامی ادامه داشت (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۳)، اما گمان می‌رود در سده هفتم ه.ق به دلیل حمله و ویرانی مغول کرمانشاه دچار ویرانی شد و تا حد یک روستا تنزل یافت (مستوفی، ۱۳۶۱: ۳۷۵). در این دوران است که احتمالاً بار دیگر محل استقرار شهر تغییر یافت و پس از ویرانی از کنار قره‌سو به سمت جنوب و محل کنونی بافت قدیمی شهر نقل مکان کرد. در سده‌های بعدی دوره اسلامی اگر چه کرمانشاه به دلیل قرار داشتن بر سر راه شهرهای مقدس عراق و نزدیکی به حدود از اهمیت ارتباطی و نظامی خاصی برخوردار بود، اما به دلیل جنگ‌های ایران و عثمانی در فراز و فرودهای مکرری قرار داشت و بارها کرمانشاه تخریب و باز بنا شد (Clark, 1969: 23).

در سال ۱۲۲۱ ه.ق. فتحعلی شاه قاجار فرزند خود محمد علی میرزای دولت‌شاه را به حکومت کرمانشاه منصوب کرد. وی بانی دوباره رونق شهر شد. شهر را به استحکامات جدیدی مجهز کرد و مؤسسه‌ها و عناصر شهری در دوره وی رونقی دوباره گرفتند؛ ساختمان دیوان‌خانه میدان تویخانه، سربازخانه و چند مسجد را بنا کرد. پس از دولت‌شاه، امام‌قلی میرزای عمادالدوله نیز در رونق شهر اقداماتی انجام داد و در بازسازی و زیباسازی شهر کوشید. اماکنی چون مسجد عمادالدوله، قصر عمادیه و مسعودیه (که تخریب شدند) و هم‌چنین سراها و اماکن بسیاری را در درون بازار ساخت و بخش‌هایی از بازار را مسقف کرد. این دوران کوشش شاه‌زادگان قاجار رونق نسبی را برای شهر به همراه داشت (Ibid: 24).

در مجموع در دوران شهرنشینی تاریخی شهر کرمانشاه به دلیل محیط طبیعی مناسب، حاصل‌خیزی منطقه، موقعیت دشت کرمانشاه برای تمرکز مازاد محصول و موقعیت ارتباطی بر سر راه فلات ایران و سرزمین تاریخی بین‌النهرین همواره دوام آورده است. دوره پهلوی اول (۱۳۰۰ - ۱۳۲۰) سلسله‌ای از تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به دنبال داشت که تأثیرات عمیق و درخور توجهی بر روند شهرنشینی برجای گذاشت. کرمانشاه نیز هم‌چون بخشی از منظومه شهری کشور از این تحولات متأثر شد و زمینه‌های تثبیت و توسعه شهرنشینی در آن قوت گرفت. سیاست اسکان اجباری عشایر (تخته قاپو)، اصلاح و توسعه شبکه راه‌ها، وضع قوانین جدید از جمله قانون وظیفه اجباری و در پی آن آشنایی اقشار جوان روستایی با زندگی شهری، گسترش مراکز دولتی و شکل‌گیری صنایع و چندین عامل دیگر در این زمینه مؤثر بودند. اگرچه تا سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۳۰ و کودتا علیه دکتر مصدق رکودی بر توسعه شهر حاکم بود، اما دهه ۳۵ تا ۴۵ را می‌توان مقطع دگرگونی رشد شهری و سرآغاز رشد شتابان شهری دانست که هم‌زمان با شروع دوره ثبات و آرامش سیاسی و اقتصادی جامعه بود. این ثبات در نتیجه با گرفتن دیکتاتوری و کاهش بحران‌های سیاسی، ملی شدن صنعت نفت و سرازیر شدن درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور، ادغام اقتصاد کشور در

نظام اقتصاد بین‌المللی، تمرکز سرمایه در شهر و اجرای برنامه‌های عمرانی شهری پدید آمد که هم‌زمان با آن، اجرای مراحل از اصلاحات ارضی زمینه‌ساز تحولات عمیق اجتماعی در کشور شد. در دهه ۴۵ - ۵۵ رشد مهاجرت‌ها به شهرهای بزرگ در نتیجه تمرکز خدمات، صنایع و اداره‌ها در این شهرها بسیار چشمگیر بود و زمینه رشد و توسعه شهرها و شهری هم‌چون کرمانشاه که مرکز اداری و سیاسی بود، تشدید شد.

در دوران پس از انقلاب اسلامی با وجود نزدیکی کرمانشاه به مرز، رشد سریع شهر کرمانشاه ادامه یافت و بخش عمده‌ای از مهاجران جنگی مناطق مرزی در این شهر سکونت یافتند. در این دوره به دلیل واگذاری زمین از سوی دولت بیش‌ترین رشد و توسعه شهر به صورت افقی در پهنه دشت صورت گرفت. اکنون از رشد و توسعه فیزیکی و جمعیت شهر تا حد زیادی کاسته شده و کرمانشاه به‌مثابه کلان‌شهری در غرب ایران با مشکلات و مسائل گوناگونی روبه‌روست.

### توسعه و تحوّل فضای شهری

چنان‌که اشاره شد شهر کرمانشاه در طول دوران تاریخی بارها ویران و مکان آن در پهنه دشت کرمانشاه جابه‌جا شده است. آخرین استقرار و رشد شهر که بر مکان هسته تاریخی کنونی شهر منطبق است به دوره زندیه بازمی‌گردد که قلعه شهر از مکان قبلی آن در کنار رودخانه قره‌سو (قلعه کهنه) به مکان فعلی آن (در کنار رودخانه آبشوران) انتقال یافت (تصویر شماره ۴). از این دوره چنین یاد می‌شود که کاخ قدیمی در کناره رودخانه قره‌سو توسط آزادخان با باروت که از بیرون شهر تا قلعه کشیده شده بود، آتش زده و با زمین هموار شد؛ شهر رهاشده از آن پس «قلعه کهنه» نامیده شد. شهر جدید کرمانشاه که بی‌شک به دست مردم و شهروندان آواره کرمانشاهی در اواسط دوره زندیه ساخته شد، از به هم پیوستن سه دهکده فیض‌آباد، چنانی و برزه دماغ شکل گرفت که هم‌اکنون قدیمی‌ترین محله شهر را تشکیل می‌دهند (خدیوی، ۱۳۷۹: ۵۵۵ - ۵۵۴).

نقشه تهیه شده از سوی مسیوچریکف قدیمی‌ترین نقشه‌ای است که از شهر کرمانشاه در سال ۱۸۵۰م (۱۲۲۹ ه.ش) کشیده شده است و در دسترس است، اما پس از آن به سال ۱۹۱۹ م (۱۲۹۸ ه.ش) به دست نیروهای انگلیسی اعزامی به میان‌رودان نقشه‌ای تهیه شده که می‌تواند مبنای خوبی برای تعیین حدود شهر قدیم و رشد شهر در دوره جدید باشد (تصویر شماره ۵). علاوه بر آن می‌توان از این نقشه در تعیین مکان عناصر اصلی شهر تاریخی و دروازه‌های شهر که در آن اختلاف نظرهایی وجود دارد - پنسج دروازه از نظر باکینگهام (۱۸۱۶) و جکسن (۱۹۱۷)، چهار دروازه از نظر کست و فلاندن و درنهایت هفت دروازه از نظر سرهنگ چریکف - استفاده کرد (مرادی و الماسی، ۱۳۹۲: ۴).

کنونی) محدود شد. تا این زمان شهر هنوز خیابان‌بندی به سبک جدید را تجربه نکرده و دارای کوچه‌ها و خیابان‌های باریک بود. این راه‌ها با سلسله مراتبی به مرکز اصلی شهر ختم می‌شدند. وسعت شهر محدود بود و افزون بر زمین‌های زراعی و باغ‌های پیرامون که رشد شهر را محدود کرده بود، قبرستان‌های اطراف شهر نیز نقش محدودکننده‌ای داشتند. شهر در این دوران از چند محله اصلی تشکیل شده بود و بازار به صورت استخوان‌بندی اصلی از منته‌الیه غرب شهر تا منته‌الیه شرق شهر کشیده شده بود و کوچه‌ها و راه‌های محله‌های مختلف شهر هرکدام به گونه‌ای به بازار منتهی می‌شد.



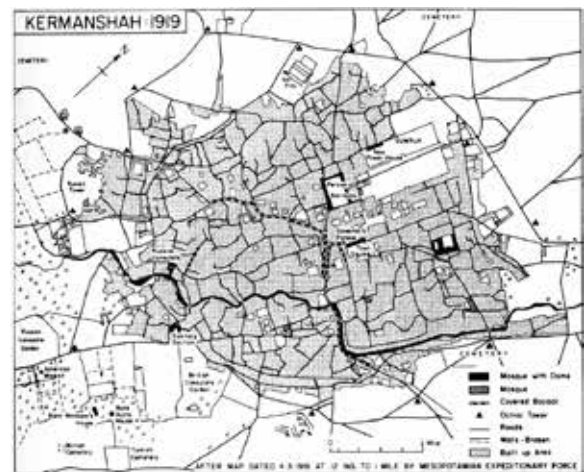
تصویر شماره ۶: موقعیت دروازه‌های قدیم شهر کرمانشاه،  
مأخذ: پرومند، ۱۳۸۸: ۱۶۸

در دوران پهلوی اول با شکل‌گیری نخستین الگوهای شهرسازی به سبک و سیاق غرب و کشیدن خیابان‌های جدید، چهره سنتی و قدیمی شهر به کلی دگرگون شد. از سال ۱۳۱۴ با خیابان‌بندی به صورت شبکه‌بندی و خیابان‌های اصلی موازی اولین گام برنامه‌ریزی شهری نوین در شهر برداشته شد که به صورت الگوی تکراری در بیش تر شهرهای ایران شامل چند خیابان موازی همراه با میدان‌هایی بود که خیابان‌های موازی با چند خیابان فرعی به هم وصل می‌شدند. در این دوران میدان اصلی شهر از بین رفت و بازار به چند بخش تبدیل شد و به تدریج سه خیابان اصلی موازی به صورت استخوان‌بندی اصلی ترافیک شهری ظاهر شدند. این سه خیابان (جوانشیر، مدرس، جلیلی) اکنون نیز استخوان‌بندی اصلی ارتباطی شهر را تشکیل می‌دهند.

در ۱۳۱۶ تأسیس پالایشگاه نفت (که ابتدا شرکت نفت ایران و انگلیس بود) برکناره قره‌سو در سمت شمالی شهر به مثابه نخستین عنصر توسعه و نوسازی یا مدرنیزاسیون در خور توجه بود. در این دوره، شهر در سمت شمال و جنوب رشد اندکی داشت



تصویر شماره ۴: تغییر مکان هسته مرکزی شهر کرمانشاه،  
مأخذ: میراث فرهنگی کرمانشاه با تکمیل نگارندگان



تصویر شماره ۵: شهر کرمانشاه در سال ۱۹۱۹ (۱۳۹۸ ه.ش)،  
مأخذ: Clarke, 1969: 25

اما شواهد با توجه به نقشه‌های کلارک و سرهنگ چرکیف نشان‌دهنده این امر است که شهر قدیم کرمانشاه دارای هفت دروازه بود (تصویر شماره ۶) و نشان از موقعیت تجاری ممتاز و ارزش و اعتبار شهر و نقش ارتباطی آن دارد. در این دوره، محدوده‌ی شهر از سمت شمال به گمرک و فیض آباد و زمین‌های کشاورزی شمالی شهر (حوالی میدان آزادی



و پالایشگاه در شمال شهر قدیم خود به مانعی برای رشد شهر بدل شد؛ اما در سمت جنوب به دلیل وجود باغ‌ها و چشمه‌های آب مناسب رشد شهر بسیار بیش تر بود. مقایسه تصویر هوایی سال ۱۹۱۹ (۱۲۹۸ ه.ش) با ۱۹۴۱ (۱۳۲۰ ه.ش) نشان‌دهنده توسعه شهر با شکل‌گیری خیابان‌ها و میدان‌های جدید، توسعه و رشد گاراژها در منتهالیه شمالی شهر، ایجاد سیلوها در شمال شرق شهر و توسعه به سمت مناطق مسکونی مشرف بر دره آبشوران بود (کلارک، ۱۳۹۴: ۴۲). در میان سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۲۰، گسترش شهر و ساخت خیابان‌های جدید ادامه پیدا کرد اما به دلیل رکود در شرایط سیاسی کشور و شرایط پس از جنگ جهانی و نیز ملی شدن صنعت نفت و کودتای مرداد ۱۳۳۲، رشد چندان قابل توجهی نداشت.

از سال ۱۳۳۵-۱۳۴۵ رشد عمده شهر به دلایل مختلفی در سمت جنوب ادامه پیدا کرد. نخست این که شهر از سمت شمال به زمین‌های زراعی مطلوبی محدود بود که از نظر کشاورزی دارای بازدهی خوبی بودند، که تبدیل آن‌ها به منطقه مسکونی به صرفه نبود. در مقابل، در جانب جنوب مورفولوژی شهر تپه‌ماهوری بود که از نظر ارزش کشاورزی در درجه پایین تری قرار داشت. دوم اینکه بخش شمالی شهر یعنی حوالی کنونی میدان آزادی دارای کارکرد تجاری و ارتباطی و محل استقرار گاراژها، انبارها و مسافرخانه‌ها بود و محیط مناسبی برای اسکان خانواده‌ها به شمار نمی آمد و به نوعی انتهای شهر محسوب می شد. سمت جنوب شهر در اطراف میدان فردوسی به سوی مرکز شهر دارای باغ‌های متعددی بود که در آن دوران وضعیت مطلوب منابع آب و وجود این باغ‌ها و میکروکلیمای ناشی از آن‌ها انگیزه سکونت در این بخش را بالا برده بود. علاوه بر محدودیت ذکرشده از جانب شمال، در جانب شرق و غرب نیز وجود قبرستان‌های متعدد از عوامل محدودکننده رشد شهر در این دوران بود (Clarke, 1969: 32).

تحول قابل توجه این دوره، تجربه اولین ساخت و سازهای منفک از بدنه اصلی شهر به صورت برنامه‌ریزی شده بود که سرآغازی بر دگرگونی مسیر رشد شهر از سمت جنوب شهر به جانب شمال بود. این ساخت و سازها با توسعه پالایشگاه نفت و ساخت منازل سازمانی برای کارکنان پالایشگاه آغاز شد؛ این اتفاق سرآغاز رشد گسترده شهری و شهرک‌سازی‌های برنامه‌ریزی شده از سوی دولت بود. از آن پس این الگو تعیین کننده‌ترین عامل در گسترش شهر و روند آن بود. علاوه بر آن، ساخت چند مؤسسه دولتی و نظامی و شروع احداث ورزشگاه کرمانشاه، رشد شهر در این مسیر را به صورت جدی تری نمودار ساخت.

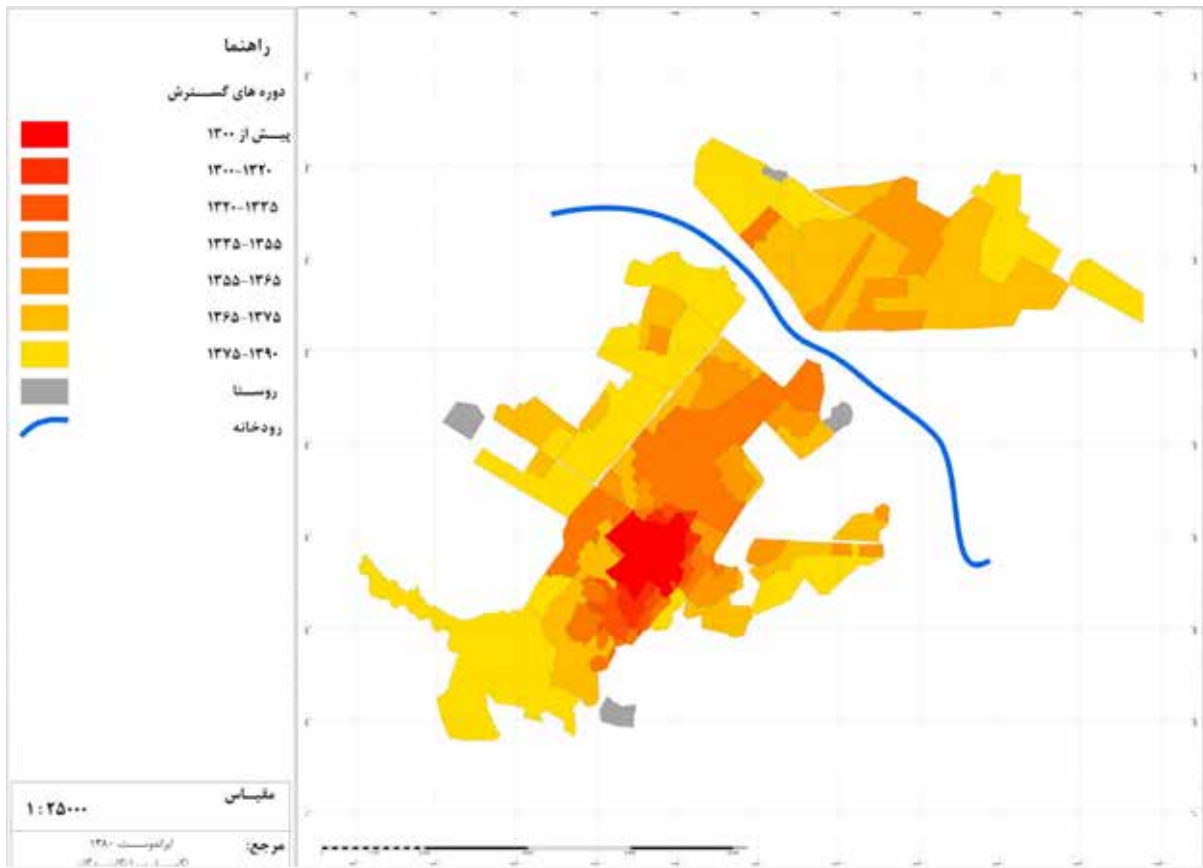
به طور خلاصه از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۵ شهر رشد آرام و کندی را تجربه کرد، اما با تأثیرپذیری از عوامل ملی و منطقه‌ای، زمینه‌های رشد سریع آن مهیا شد. در این دوران زمینه‌های رشد شهری در حال گسترش بود، اگرچه در مجموع نتوانست تأثیر قابل توجهی را در آن

زمان بر جای گذارد. با این وجود ویژگی این دوره دخالت گسترده در کالبد قدیمی شهر و تلاش برای به‌روز کردن شبکه ارتباطی شهر به‌ویژه سازگار کردن آن برای ورود خودرو بود. بر این اساس خیابان‌کشی‌های جدید به تقلید از برنامه‌ریزی شهری غرب و با تخریب بافت قدیمی شهر و تخریب و صدمه به عناصر قدیمی شهر مانند میدان و بازار انجام گرفت. هم‌چنین از این دوره با دگرگونی شیوه‌های تجاری و گسترش تجارت دریایی، به تدریج از اهمیت سنتی شهر کرمانشاه به‌مثابه گذرگاه ایران از سمت بین‌النهرین کاسته شد. این امر تأثیر زیادی بر دگرگونی عناصر شهری و ازجمله بازار و سراها و کاروان‌سراها داشت؛ به طوری که بسیاری از کاروان‌سراهای پیرامون بازار به دنبال رکود، به مسکن خانوارهای مهاجر و کم‌درآمد تبدیل شدند (ایراندوست و بهمنی، ۱۳۹۰).

از سال ۱۳۴۵-۱۳۵۵ توسعه اصلی و عمده شهر تحت تأثیر اقتصاد نفت و تحولات اقتصاد ملی آغاز شد. بیش‌ترین توسعه فیزیکی در سمت شمال شهر و در زمین‌های کشاورزی هموار صورت گرفت که این زمین‌ها به سرعت تبدیل به بنای سازمان‌ها و محله‌های مسکونی شد. در این دوره بر اساس پیشنهادهای طرح جامع، الگوی توسعه پراکنده و گسترده و کم تراکم به الگوی مسلط توسعه شهر بدل شد. هم‌چنین در همین دوران و پس از آن، سیاست‌گذاری‌های شتاب‌زده الگوی رشد خطی در امتداد شبکه‌های ارتباطی و با خلأها و گسست‌های بسیار را به الگوی مسلط بدل کرد. هدایت برای توسعه اصلی شهر به سمت شمال در این دهه را به‌طور خلاصه می‌توان به عوامل زیر نسبت داد:

- ۱- نبود امکان توسعه بیش‌تر در سمت جنوب و محدودیت توپوگرافی،
- ۲- وجود بستر و شیب مناسب زمین‌های شمالی شهر،
- ۳- سیاست‌های دولت در تأمین مسکن و مکان‌یابی شهرک‌های جدید،
- ۴- ارزیابی زمین‌های پیرامون و دورتر (مثلاً اطراف بلوار تاق بستان) و ساخت‌وساز غیرمجاز،
- ۵- تمرکز مؤسسه‌های صنعتی و امکانات و زمینه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات در شمال شهر،
- ۶- راهبردهای توسعه گنجانده‌شده در طرح‌های توسعه شهری. در دهه ۶۵-۵۵ رشد شتابان شهر ادامه پیدا کرد و چندین شهرک جدید با سبک و سیاق برنامه‌ریزی جدید و اغلب با الگوی شطرنجی بنیان گذاشته شد و فضاهای خالی میان شهرک‌ها و محله‌های اصلی و قدیمی شهر به تدریج پر شد و نیز عمده‌ترین سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف شهر ایجاد و به سرعت رشد کردند. در این دوره نیز بیش‌ترین رشد در سمت شمالی شهر رخ داد. شهرک‌های جدید مانند آبادانی مسکن چنان رشد کردند که به صورت مرکز جمعیتی مستقل تثبیت یافتند و در میان آن‌ها و با توجه به خلأهای نظارتی و قانونی ناشی از گذار دوران انقلاب و





تصویر شماره ۷: دوره‌های گسترش شهر کرمانشاه، ماخذ: ایراندوست، ۱۳۸۰ و اصلاح و تکمیل توسط نگارندگان

اجراست، اما گسترش افقی بیش از اندازه شهر مسائلی جدی را در مورد پایداری شهر نمودار کرده است (تصویر شماره ۷).

اگرچه رشد جمعیت شهر در دهه اخیر کاهش نسبی داشته است، اما هنوز با توجه به ساختار جمعیتی شهر زمینه گسترش شهر تا حدودی وجود دارد. در حال حاضر تحول اساسی در داخل شهرک‌ها و محله‌های موجود در جریان است که عمدتاً در شکل افزایش طبقات و رشد ارتفاعی این محله‌ها است.

در چند سال اخیر، در پی اجرای سیاست مسکن مهر برای تأمین مسکن گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد از سوی دولت برای ساخت مسکن برای گروه‌های درآمدی متوسط و فقرای شهری، رشد شهر در اندک فضاهای خالی حاشیه شهر و بیش‌تر به صورت گسسته ادامه پیدا کرد.

### ساختار هسته مرکزی شهر کرمانشاه

همان‌گونه که اشاره شد هسته مرکزی شهر کرمانشاه در دوره‌های مختلف تاریخی و به دلایل مختلف جابه‌جاشده است و آخرین استقرار و رشد شهر که بر مکان هسته تاریخی کنونی شهر منطبق است به دوره زندگی و قاجاریه بازمی‌گردد. عناصر شکل‌گرفته در هسته مرکزی شهر کرمانشاه بر پایه اولین نقشه ترسیم‌شده از شهر توسط مسیوچریکف روسی در سال ۱۸۵۰م (۱۲۲۹ ه.ش)، شامل ارگ حکومتی، میدان مشق، میدان تویخانه و مجموعه‌ای از باغ‌ها است (تصویر شماره ۸).

نیز جنگ ساخت‌وسازهای غیررسمی و اغلب شبانه رشد بسیاری را پدید آورد.

در میان سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ شهر کرمانشاه بیش‌ترین توسعه را داشت و زمین‌های اطراف هر چه بیش‌تر زیر ساخت و ساز شهری رفت. در این دوره سیاست واگذاری زمین در چارچوب طرح‌های آماده‌سازی مهم‌ترین عامل گسترش شهر بود؛ به گونه‌ای که از سال ۱۳۷۰ با تصویب کمیسیون ماده ۵ استان ۱۵۰۰ هکتار به محدوده شهر افزوده شد (مهندسان مشاور طرح آمایش، ۱۳۸۲: ۲۵). در این دهه نیز مهم‌ترین محور توسعه، سمت شمالی شهر بود که در شکل شهرک‌های متعدد برنامه‌ریزی شده بود.

در دهه ۷۵-۸۵ گسترش افقی شهر محدودتر از گذشته شد و عمده‌ترین تحول، تکمیل و متراکم شدن فضاهای موجود بود. واگذاری زمین‌های چند طرح آماده‌سازی که عموماً نیز از دهه گذشته بازمانده بود، معدود موارد گسترش در این دوره بود (پیشین). در مجموع، رشد و گسترش پرشتاب شهر در چند دهه گذشته به سیاست‌های رسمی مسکن و برنامه‌ریزی شهری و روند غیررسمی ساخت‌وسازها در شهر کرمانشاه بازمی‌گردد؛ این رشد در سال‌های اخیر توجه را به محدودیت‌های جدی فراروی شهر جلب کرده است. در دو سوی شمال و جنوب محدودیت توپوگرافی و در جانب شرق و غرب محدودیت‌های مربوط به کاربری اراضی نظامی و صنعتی، گسترش شهر را با بن‌بست روبه‌رو کرده است. اگرچه در دو سوی غرب و شرق طرح‌های آماده‌سازی در دست

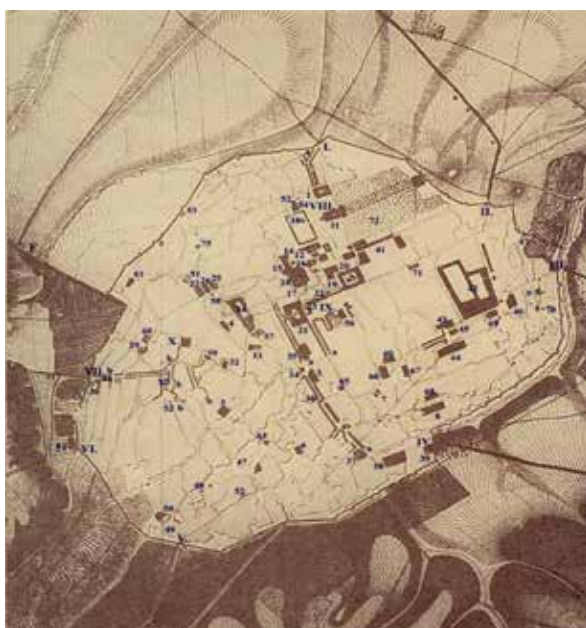
جدول شماره ۱: خلاصه تحولات تاریخی و فضایی شهری کرمانشاه در دوره‌های زمانی مختلف

دوره تاریخی	ویژگی / اهمیت	عوامل / مسائل
پیش از اسلام	شاهراه تمدن‌ها	وجود راه شاهی و جاده ابریشم
	جایگاه نظامی	هم‌جواری با فرهنگ‌های ایلامی و کاسی و تمدن‌های بین‌النهرین
	اهمیت و جایگاه منحصر به فرد در دوره ساسانیان	مکان سپاهیان هخامنشیان و سربازان اسکندر
دوره اسلامی ۱۳۰۰ تا	رکود در دوران اولیه اسلامی	سنگ‌نوشته و یافته‌ای تاریخی متعدد به‌ویژه تاق بستان
	اهمیت ارتباطی و نظامی در دوره سلسله‌های اسلامی به‌ویژه صفویه	بانی‌دهای اولیه ورود اسلام و به‌ویژه حمله مغول و ایرانی شهر، تنزل چشمگیر کرمانشاه
	ویرانی و رکودی چندباره شهر	مسیر شهرهای مقدس عراق و نزدیکی به حدود عثمانی
	تثبیت شهر جدید کرمانشاه	اختلافات داخلی خاندان‌های حاکم و نزدیکی به حد مرزی و تهاجم و چپاول مکرر
۱۳۲۰ - ۱۳۰۰	دوران طلایی شهر	باز رونق شهر به دلیل موقعیت و محیط مناسب کرمانشاه
	قطب اقتصادی	مرکزیت سیاسی و مرکز حاکمیت شاهزاده‌های قاجار
۱۳۴۵ - ۱۳۲۰	اولین گام برنامه‌ریزی شهری نوین در شهر	راه تجاری و زیارتی به عراق و تأسیس کارخانه‌ها و توسعه کشاورزی
	رکود پس از جنگ جهانی و نبود سیاست‌های مدون توسعه شهری	شکل‌گیری نخستین الگوهای شهرسازی به سبک و سیاق غرب و کشیدن خیابان‌های جدید
دهه ۴۵ - ۵۵	کاسته شدن از اهمیت ارتباطی شهر کرمانشاه به‌مثابه گذرگاه ایران از سمت بین‌النهرین	امنیت سراسری، اصلاحات ارضی، ادغام اقتصاد کشور در نظام اقتصاد بین‌المللی، ورود عامل مهم نفت، توسعه برون‌زا، تمرکز سرمایه در شهر، اجرای برنامه‌های عمرانی شهری
	رشد سریع شهر و شهرک‌نشینی و حومه صنعتی، گسترش برنامه‌ریزی شده و گاه بدون برنامه شهر	دگرگونی شیوه‌های تجاری و گسترش تجارت دریایی و کاهش اهمیت تجاری و بازرگانی شهر
دهه ۵۵ - ۶۵	رشد شتابان شهر و افزایش چشمگیر جمعیت در عین رکود زیرساخت و اقتصاد شهر	تحولات اقتصادی اجتماعی، رشد روزافزون درآمدهای نفتی، گسترش صنایع شهری و رشد بخش خدمات
دهه ۶۵ - ۸۵	توسعه سریع شهر در زمین‌های اطراف	تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور و وقوع جنگ تحمیلی و ورود مهاجران جنگی به همراه بالا بودن نرخ طبیعی رشد جمعیت و گسترش اسکان غیررسمی
سال‌های اخیر	رشد و گسترش افقی کمتر شهر در حاشیه شهر و بیش‌تر و توسعه درون	سیاست واگذاری زمین در چارچوب طرح‌های آماده‌سازی و آزادسازی زمین برنامه‌ریزی شهری و روند غیررسمی ساخت‌وسازها در شهر
		اجرای سیاست مسکن مهر از سوی دولت برای ساخت مسکن برای گروه‌های درآمدی متوسط و فقرای شهری

بر طبق این نقشه IX میدان توپخانه، VIII میدان مشق و فضای بین این دو میدان را عناصر کاخ حکومتی تشکیل می‌داد. از عناصر دیگر هسته مرکزی شهر می‌توان به بازار (که تا این زمان سرپوشیده نبود) اشاره کرد. این عناصر فضاهای شاخص آن دوره شهر را تشکیل می‌دادند که در دوره‌های مختلف فراز و نشیب‌های زیادی داشتند. در نهایت در دوره رضاخان و ورود به دوره مدرنیسم و سیاست اجرای خیابان‌های چلیپایی و عریض این عناصر رو به زوال گرفت و از بین رفت.

### سازمان فضایی هسته مرکزی شهر

در سال ۱۲۲۱ محمدعلی میرزا دولت‌شاه به حکومت کرمانشاه گماشته شد و با درایت و کفایت از توانایی‌های شهر از قبیل شاهراه ارتباطی و عبور زوار بهره کافی گرفت. بدین ترتیب با استفاده از توانایی‌های اقتصادی و طبیعی شهر و درک موقعیت استراتژیک و سیاسی آن، دست به عمران و آبادانی زد. محله توپخانه و میدان‌های اصلی شهر از قبیل میدان توپخانه و بازار در این دوره شکوفا شد و وجود خود



تصویر شماره ۸: شهر کرمانشاه در سال ۱۸۵۰م (۱۲۲۹ ش.ه)

مأخذ: مهربار و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۰۴



تصویر شماره ۱۰: میدان توپخانه شهر کرمانشاه،

ماخذ: ذکاء، ۱۳۷۶: ۳۳۲

عرض این میدان ۳۰ و طولش ۷۵ متر بود. در میان این میدان حوضی قرار داشت و درختان چنار در این میدان بود و در میانه‌اش دو سه اراده توپ زنگ دیده می‌شد. ساختمان حکومتی، قصر والی و سربازخانه (تصویر شماره ۱۱) یک ضلع میدان را در گرفته بود (گروهه، ۱۳۶۹: ۱۴۰۲). قصر حکومتی دارای پله‌های سنگی بزرگی به نام تره<sup>۳</sup> بود که به وسیله راهروی تونل مانندی به ارگ و حیاط سربازخانه ارتباط داشت. ارگ حکومتی دارای برج و بارویی بود و بر سر طاق‌های آن یک فرشته بالدار به دیده می‌شد. از عناصر این مجموعه می‌توان به کوشک محمدعلی میرزا، عمارت محمدعلی میرزا، باورتخانه، عمارت امیرنظام‌زاده، دیوان‌خانه، آینه‌خانه، بازستان خانه، برج طویله و طویله خانه و باغ محمدعلی میرزا اشاره کرد. برج‌های کاخ حکومتی مشرف به میدان توپخانه بود که برج و بارویی برای نگه‌داری از کاخ و بناهای اطراف آن ایجاد شده بود (شمس، ۱۳۸۱: ۷۱). افزون بر این در میدان توپخانه برخی عناصر اداری و حکومتی نو از جمله پست و تلگراف وجود داشت (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۰۱). به عملکرد و ارزش تجاری میدان در بسیاری از نوشته‌ها اشاره شده است؛ در اطراف میدان مغازه‌هایی وجود داشت که به بازارهای اصلی خطی شهر متصل می‌شدند (جکسن، ۱۳۶۹: ۲۶۸).

مسجد جامع در ضلع شمال شرقی میدان توپخانه قرار داشت که توسط عمادالدوله فرزند دولت‌شاه که پس از پدر حاکم این ایالت بود رونق داده شد. این مسجد در اواخر دوره زندیه بنا شد و بر الگوی سازمان‌دهی شهرهای پس از اسلام در ارتباط با میدان توپخانه و بازار و ارگ حکومتی جانمایی شده بود و طبق کتیبه‌های موجود در سال ۱۱۹۶ مصادف با حکومت علی مراد خان زند ساخته شد؛ این بنا شامل مسجد، مدرسه و حسینیه بود. این مسجد دارای دو شبستان با تاریخ‌های متفاوت است. شبستان شمالی قدیمی‌تر و همان‌گونه که ذکر شد مربوط به دوران زندیان است، اما سازنده شبستان جنوبی که به صحن امیری مشهور است امیرنظام زنگنه یکی از نوادگان شیخ علی خان زنگنه است. امروزه شبستان جنوبی این مسجد را خراب و شبستان

را در هسته مرکزی شهر تثبیت کردند (برومند، ۱۳۸۸: ۱۶۹). میدان توپخانه در ضلع شرقی محله توپخانه و در نزدیکی میدان وزیری در مکان کنونی بانک ملی در خیابان مدرس واقع شده بود (تصویر شماره ۹). قرارگیری این میدان در هسته مرکزی شهر و محل برخورد بیش‌تر دروازه‌های ورودی شهر منجر به رونق و شکل‌گیری کاربری‌های مختلف در این میدان شده بود. در این دوره علاوه بر حرکت مداوم زائران، وجود اجناس و پارچه‌های مختلف خارجی و حمل‌ونقل کالاهای مختلف و رفت‌وآمد دائمی قافله‌ها بر رونق تجارت شهر بسی افزود. بعضی اوقات تا بیست هزار حیوان بارکش، در عرض یک ماه از چهار کاروان‌سرای شهر عبور می‌کرد. در واقع تمام راه‌های زمینی که زائران ایران، قفقاز، افغانستان و آسیای مرکزی را به مکان‌های مقدس می‌رساند از کرمانشاه می‌گذشت و از میدان اصلی شهر عبور می‌کرد. جمعیت شهر را در این دوره نزدیک به شصت هزار نفر تخمین زده‌اند (بیگلری، ۱۳۶۵: ۱۷۰). میدان توپخانه یا میدان مرکزی و اصلی شهر (تصویر شماره ۱۰) از عناصر مختلفی از جمله مسجد جامع، کاروان‌سرای گمرک، حمام، نقاره‌خانه، دیوان‌خانه و بازار تشکیل شده بود و در وضعیت‌های مختلف سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر به‌سزایی در شهر داشت. این میدان از میدان‌های تاریخی شهر به شمار می‌رفت که نقش مهمی در انقلاب مشروطه داشت. نقش سیاسی این میدان چنان بود که در سال ۱۳۲۵ زمانی که سیف‌الدوله حکمران خودکامه کرمانشاه در مقابل نهضت آزادی‌خواهی، مقاومت به خرج داد و از اعزام نمایندگان ایالت به مجلس شورای ملی امتناع ورزید، پیشه‌وران، بازرگانان، روحانیان، طرفداران مشروطه و حتی باربران در این میدان تحصن کردند و در آن‌جا چادر زدند و خواستار اجرای قانون مشروطیت در این ایالت شدند (شمس، ۱۳۸۱: ۷۱).



تصویر شماره ۹: موقعیت میدان توپخانه و دروازه‌های شهر کرمانشاه،

ماخذ: برومند، ۱۳۸۸: ۱۸۰



تازه‌ای به جای آن ساخته‌اند که دارای گنبد و مناره‌های بلند و ایوان‌های آن کاشی‌کاری شده است؛ اما شبستان شمالی به همان صورت بازمانده و تنها نمای آن را بازسازی کرده‌اند. در قسمت جنوبی، مسجد دیگری با صحن و شبستان وجود داشت که به مسجد عمادالدوله شهرت یافت (گلزاری، ۱۳۵۰: ۱۴۸). پس از ساخت مسجد بانی آن یکی از درهای حرم حضرت علی (ع) را به کرمانشاه آورده و در این مسجد نصب نمود که اکنون به قاپی شاه نجف مشهور است.



تصویر شماره ۱۱: میدان مشق شهر کرمانشاه، ماخذ: ذکاء، ۱۳۷۶: ۳۳۰

از این مسجد تنها بخشی از شبستان آن باقی مانده است. در قسمت جنوبی آن مسجد دو بالاخانه وجود داشت که در گذشته مدرسه بود. وجود این مسجد نمایانگر اهمیت مراسم مذهبی در این شهر و این میدان بوده است. مسجد جامع مرتفع‌ترین ساختمان شهر بود که در نزدیک بازار ساخته می‌شد و به‌عنوان محل اقامه نماز، دادگاه فکری و آموزشی بود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۷).



تصویر شماره ۱۲: میدان توپخانه شهر کرمانشاه، ماخذ: ذکاء، ۱۳۷۶: ۳۲۹

از عناصر دیگر این میدان دیوان‌خانه بود که در مقابل کاخ حکومتی قرار داشت و ستون‌های بسیار داشت و ترکیب و ساختار آن مشابه عمارت شمس‌العماره تهران بود (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۸۹: ۱۴۸). این عمارت از دوازده قصر ترکیب شده بود و تا سال‌های اخیر بریا و نمونه‌ای از عمران و دوستی راولینسن در زمان دولت‌شاه

بود (گلزاری، ۱۳۵۰: ۱۳۷). بنای دیوان‌خانه مربوط به دوره قاجاریه است. مقابل دیوان‌خانه میدان توپخانه بود که اکنون بانک ملی است و مراسم سان و رژه و غیره نیز در این میدان انجام می‌شد و تنبیه مجرمان نیز در اغلب اوقات در این میدان و در انتظار اهالی انجام می‌گرفت (بیگلری، ۱۳۶۵: ۱۸۰). ناصرالدین‌شاه در سفرنامه خود میدان توپخانه را توصیف می‌کند که زمانی به «میدان خود میدان» وارد شدیم میدان خوبی است اطراف حجره‌ها و جای خوب دارد از کثرت و ازدحام درودیوار و سطح و بام، میدان دیده نمی‌شود فوج قزوین و موزیکچی هم در میدان ایستاده بودند» (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

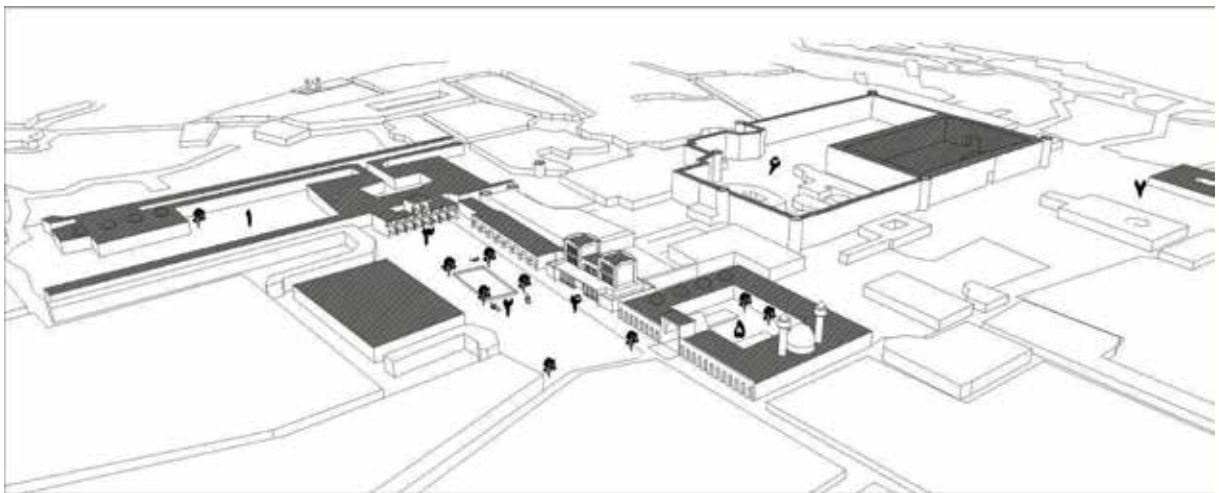
ساختمان نقاره‌خانه دیوانی (تصویر شماره ۱۲) آخرین عنصر این میدان بازمانده از دوره قاجاریه در سال ۱۲۶۸ خورشیدی در قسمت جنوبی سبزه‌میدان روی در ورودی گمرک (گمرک کهنه کنونی) رو به شمال ساخته شده بود، این بنا از زیبایی‌ای و جذب هنری بهره‌ای نداشت و تنها اتاقکی بود که سه طرف آن مسدود و طرف چهارم آن مشرف به فضای سبزه‌میدان باز می‌شد (سلطانی، ۱۳۷۴: ۵۵۳). بنا به رسم و سنت در سپیده‌دمان و مغرب به مدت بیست دقیقه موزیک و نقاره می‌نواختند و به‌اصطلاح اعلام وقت می‌کردند. هر روز عصر هنگام غروب آفتاب پنج یا شش نفر موزیک چی در آن کلبه بالا رفته تا این که اندوهی که مردم از غروب خورشید و آرزوی دیدن آن را در فردا دارند ابراز کنند. بعد از پایان موزیک با شلیک یک توپ خورشید ناپدید می‌شد؛ نوازندگان شامل سرنا زنان، طبالان و دهل‌کوبان بودند (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۰۲). در سال ۱۳۱۳ خورشیدی که رفته رفته اوضاع دگرگون شد و علاقه مردم یکی پس از دیگری منسوخ شد، بلدیة هم کادر نقاره‌خانه را مرخص و سنت نقاره زدن را برچسب و حتی در ماه مبارک رمضان اجازه اعلام اوقات شرعی با شلیک توپ را نداد (سلطانی، ۱۳۷۴: ۵۵۳).

در جانب جنوب نیز میدان دیگری قرار داشت که میدان سربازخانه نامیده می‌شد. علت نام‌گذاری میدان آن بود که سکونت‌گاه سربازان در پیرامون آن ساخته شده بود و خود میدان به‌منزله میدان مشق نیروی نظامی بود (بیگلری، ۱۳۶۵: ۱۷۹). از عناصر میدان مشق می‌توان به حمام سربازخانه، مسجد حمد‌الدوله اشاره کرد و ضلع دیگر این میدان باغ محمدعلی میرزا قرار داشت.

سرانجام آخرین عنصر هسته مرکزی شهر کرمانشاه بازار بود. بازار قدیمی شهر کرمانشاه دارای قدمتی بیش از دویست سال دارد. بخش عمده‌ای از این بازار هنوز پویایی خود را حفظ کرده و نقش مهمی در اقتصاد شهر و شهرهای هم‌جوار دارد. در گذشته نه‌چندان دور به غیر از داد و ستد، بخشی از فعالیت‌های تولیدی نیز در همین بازار انجام می‌گرفت (Clarck, 1969: 71). در دوره زندگی روند گسترش بازار ادامه یافت، اما ساخت بازار بزرگ کرمانشاه از اوایل دوره قاجاریه در سال ۱۲۲۱ (ه.ق) آغاز شد که در



تصویر شماره ۱۳: ساختار عناصر میدان توپخانه شهر کرمانشاه، مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۴: ساختار هسته مرکزی شهر کرمانشاه، مأخذ: نگارندگان

داده است. در اواخر دوران افشاریه و زندیه هسته تاریخی شهر کرمانشاه (قلعه کهنه) تخریب شد و از کنار رودخانه قره‌سو به محل کنونی (رودخانه آبشوران) منتقل شد. در این مکان عناصر بسیاری از قبیل ارگ حکومتی، میدان مشق، میدان توپخانه، بازار تاریخی شهر ساخته شد و مرکز شهر را تشکیل داد؛ اما توسعه و تحولات کالبدی شهر کرمانشاه نیز مانند دیگر شهرهای بزرگ ایران به دلایل دگرگونی‌هایی مانند تغییر نقش و عملکرد شهر، ورود خودرو و خیابان‌کشی‌های جدید با تغییر از محوریت انسان به ماشین و خیابان‌کشی‌های چلیپایی (که بازار کرمانشاه را از قطع کرد)، نوسازی و برنامه‌ریزی شهری جدید و دگرگونی در شیوه‌های تولید و مصرف اتفاق افتاد و باعث تغییر ساختار شهر شد و نقش تاریخی آن در ارتباط با ایران و با سرزمین بین‌النهرین و غرب را از دست داد و جایگاه اقتصادی سنتی آن در کشور تضعیف شد. در دوران رضاخان با خیابان‌کشی‌های جدید میدان توپخانه و عناصر اطراف آن به جز مسجد جامع تخریب شد و ساختار اصلی و گذشته خود را از دست داد. کرمانشاه نیز هم‌چون بیش‌تر شهرهای کشور در چند دهه اخیر تحت تأثیر تحولات ملی با رشد شتابانی توسعه یافت که ناشی از دوران گذاری است که به شکلی برون‌زا بر تاریخ و شهر معاصر تحمیل شده است. چنین تحولی که مرتبط با توسعه برون‌زای

کنار رودخانه آبشوران از دروازه پل سید جمعه شروع و به دروازه چقا سرخ ختم می‌شد (ایراندوست و بهمنی، ۱۳۹۰: ۸). با بررسی عکس‌ها و تصاویر هوایی و نقشه‌ها پیداست که اوج شکوه بازار شهر کرمانشاه به اواخر دوره قاجار باز می‌گردد. در این دوره بازار شهر سرپوشیده شد و راسته و میدان و سایر عناصر اصلی شهر که در این مقاله به آن اشاره شد ساختاری منسجم و پویا را در ارتباط با بازار یافت. در این زمان بازار همراه با میدان اصلی شهر یا میدان توپخانه به‌عنوان مرکزیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به حد اعلای خود رسید و در اطراف آن قصر حکومتی، میدان مشق، ساختمان‌های اداری مانند تلگراف‌خانه و گمرک و حجره‌ها و عناصر تجاری و سایر عناصر مذهبی مهمی یک مرکز شهر کامل شهر ایرانی را به نمایش گذاشته بودند.

### نتیجه‌گیری

کرمانشاه یکی از مراکز استان در ایران است که دارای سابقه‌ای تاریخی است و همواره در غرب ایران جایگاه ویژه‌ای داشته است. این شهر از دوران تاریخی مختلف عناصر متعددی چون طاق‌بستان (از دوران ساسانیان)، تکیه معاون‌الملک (از دوره قاجاریه)، تکیه بیگلربیگی (از دوران قاجاریه) و عناصر دیگری را در خود جای

اقتصادی و تحولات کالبدی ناشی از انطباق با شرایط جدید است، بیش تر بازتابنده‌ی ضرورت‌های سرمایه‌داری جهانی و منطقه‌ای است. در این میان هسته‌ی مرکزی شهر کرمانشاه با وجود عناصر باارزشی از قبیل ارگ حکومتی، میدان مشق، بازار قدیم، میدان توپخانه (با عناصری از قبیل نقاره‌خانه، دیوان‌خانه و...) و محله‌های قدیم و با هویت شهر (تصویر ۱۳ و ۱۴) نیز همانند دیگر شهرهای ایران با دگرگونی اساسی مواجه شد. امروزه این هسته‌ی مرکزی شهر کرمانشاه خالی از عناصر تاریخی شده و عملکرد اصلی و هویتی آن بسیار کم‌رنگ شده است.

در گذشته هسته‌ی تاریخی کرمانشاه هم چون بیش تر شهرهای ایرانی - اسلامی عناصر تاریخی زیادی را در دل خود جای داده، اما متأسفانه به دلیل ناتوانی در تطبیق با دوران گذار نوسازی و از هم پاشیدن نقش و عملکرد هسته‌های مرکزی شهرها و از بین بردن آن‌ها، هویت و نقش این هسته‌ها از بین رفته و عملکرد پیشین خود را ندارد. امروزه رویکرد اصلی برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید گرایش به سمت بازآفرینی این بافت‌ها با محوریت انسان بوده تا هم چون گذشته عملکرد اقتصادی - اجتماعی بافت‌های مرکزی شهر زنده شده و با تجدید حیات آن مقصد گردشگران و ساکنان شهر باشد.

## پی‌نوشت

### 1. Dettman

- در کتاب بند هشن که مطالبی در خصوص جغرافیای اساطیری و موجودات مختلف از حیوانات و درختان و سرزمین‌ها و کوه‌ها و رودها در آن دیده می‌شود و تألیف اولیه آن در دوران ساسانی انجام گرفته به واژه کرمینشان اشاره شده است: «کوه مرغ به لاران کوه زرین به ترکستان کوه بهستون به کرمینشان دیگر از این شمار که محل رفت و آمدند... کوه بوم انگاشته می‌شوند». مرحوم دکتر مهرداد بهار آورده است: باید توجه داشت که نام واژه کرمانشاه محتمل تبدیلی است از کرمینشان. کرمینشان و کرماشان نام کهن این سرزمین در دوره‌ی میانه تاریخ ماست و کرمانشاهی‌ها خود را کرماشانی می‌خوانند (بهار، ۱۳۹۰: ۷۳).
- تسه واژه فارسی و معرب آن «طره» است. این لغت از دو پاره تر (در کردی) به معنای دنبال + ه (پسوند همبستگی) هم‌ریشه با آن در فارسی «تراز» به معنی ردیف است.
- میدان مشق شهر کرمانشاه که ارگ حکومتی در پس آن پیداست.
- اسامی عناصر میدان: ۱. کاروان‌سرای گمرک، ۲. میدان توپخانه (سبزه‌میدان)، ۳. نقاره‌خانه، ۴. دیوان‌خانه، ۵. مسجد جامع، ۶. ارگ حکومتی، ۷. میدان مشق.

## فهرست منابع و مراجع

- ایراندوست، کیومرث و بهمنی اورامانی، آرمان (۱۳۹۰)، «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۵، پاییز.
- ایوانف، م‌س و دیگران (۱۳۵۹)، **تاریخ ایران**، بخش اول ایران باستان، ترجمه سیروس ایزدرحین تحویلی، وینا، تهران.
- بایندر، هنری (۱۳۷۰)، **سفرنامه کردستان، بین النهرین و ایران**، ترجمه کرامت‌ا... افسر، انتشارات فرهنگ سرا، تهران.
- برومند سرخابی، هدایت... (۱۳۸۸)، **در جستجوی هویت شهری کرمانشاه**، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، چاپ اول، تهران.
- بهار، مهرداد (۱۳۹۰)، **بند هشن**، انتشارات تاریخ فا، تهران.
- بهرامی، امیر و حاجی‌زاده باستانی، کریم (۱۳۹۳)، «جلوه شکارگاه ساسانی در آرایش کاخ‌های اموی با مقایسه موردی تاق بستان کرمانشاه و کاخ قصیر عمره»، **مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران**، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۸.
- بیگلری، هرمز (۱۳۶۵)، **گذری بر تاریخ کرمانشاه**، انتشارات تاق بستان، کرمانشاه.
- پوراحمد، احمد (۱۳۹۳)، «ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام»، **کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر شهرهای اسلامی**، مشهد، آبان ماه.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۹۲)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، انتشارات نغمه نو اندیش، تهران.
- توسلی، محمد (۱۳۶۴)، **شهرهای کویری، تحلیل فضا-بصری در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران**، به کوشش یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، تهران.
- جکسن، ابراهیم و ویلیام (۱۳۶۹)، **ایران در گذشته و حال**، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، انتشارات خوارزمی.
- جوادی، شهره و آوزمانی، فریدون (۱۳۸۸)، **سنگ نگاره‌های ساسانی**، ج اول، بلخ، تهران.
- حبیبی، کیومرث و روحانی جولایی، الهام (۱۳۹۴)، «ارزیابی کیفی تغییر عناصر کهن ایرانی به شهر مردن در جهت احیای مکان‌های با هویت ایرانی - اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره بیست و یکم، پاییز ۱۳۹۴.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۷)، **از شار تا شهر**، انتشارات دانشگاه تهران.
- حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی و حائری، محمدرضا (۱۳۷۵)، **شهرنشینی در ایران**، انتشارات آگاه، تهران.
- خدیبوی، سیامک (۱۳۷۹)، «معرفی مختصر بافت تاریخی کرمانشاه»، **مجموعه مقالات دومین کنفرانس تاریخ معماری و شهرسازی ایران**، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶)، **تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران**، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نخست، تهران.
- رجبی، آریتا (۱۳۸۵)، **ریخت‌شناسی بازار**، انتشارات آگاه، تهران.
- زنگانه، ابوالفضل و شمعی، علی و موحد، علی (۱۳۹۱)، «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (نمونه موردی شهر ری)»، **فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، شماره ۵، بهار.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، **تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران**، انتشارات چهارسوق، تهران.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۰)، **بازارهای ایرانی**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵)، **مقدمه‌ای بر شهر و شهرنشینی در ایران**، نشر آبی، تهران.



۲۶. سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۴)، **جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان**، چاپ دوم، نشر سها، تهران.
۲۷. شفق، سیروس (۱۳۸۷)، «پیش درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی»، **نخستین همایش ملی آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان.
۲۸. شمس، صادق. (۱۳۸۱)، **از آسمان تا ریسمان**، انتشارات کرمانشاه، چاپ اول.
۲۹. ضرابی، اصغر؛ غلامی بيمرغ، یونس و حاج بنده افوسی، مسعود (۱۳۸۷)، «بررسی تاریخی از ساختار کالبدی شهرهای اسلامی با تاکید بر ایران»، **نخستین همایش ملی آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان.
۳۰. کاستللو، وینست فرانسیس (۱۳۷۱)، **شهرنشینی در خاورمیانه**، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نشرنی، تهران.
۳۱. کلارک، جی آی و کلارک، بی دی (۱۳۹۴)، **کرمانشاه مرکز استان پنجم**، ترجمه کیومرث ایران دوست و کسری آشوری، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران، تهران.
۳۲. گروته، هوگو (۱۳۶۹)، **سفرنامه گروته**، ترجمه مجید جلیلود، نشر مرکز.
۳۳. گلزاری، مسعود (۱۳۵۰)، **کرمانشاهان باستان**، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، چاپ اول، تهران.
۳۴. لسترنج، گی (۱۳۷۷)، **جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ سوم، تهران.
۳۵. مجتهدزاده، غلامحسین (۱۳۸۷)، **برنامه ریزی شهری در ایران**، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
۳۶. مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۸)، **آغاز شهرنشینی در ایران**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۳۷. مستوفی، حمدا... (۱۳۳۶)، **نزه القلوب**، بکوشش محمود دبیرسیاقی، تهران، کتابخانه طهوری.
۳۸. مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۹۰)، **تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران**، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۳۹. مرادی، اصغر محمد، الماسی، سارا (۱۳۹۲)، «بررسی ساختار کالبدی بافت تاریخی شهر کرمانشاه»، **همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار**، موسس آموزش عالی خاوران.
۴۰. مرتضی، هشام (۱۳۸۷)، **اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام**، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران، چاپ اول.
۴۱. مقدسی، ابوعلی...، محمدبن احمد (۱۳۶۱)، **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، ترجمه علی نقی منزوی، بخش ۲، تهران، شرکت مولفان و مترجمان.
۴۲. مهربار، محمد؛ یف، فتح الله؛ فخاری تهرانی، فرهاد و قدیری، بهرام (۱۳۷۸)، **اسنادتصویری شهرهای ایرانی در دوره قاجار**، سازمان میراث فرهنگی کشور و دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴۳. مهندسان مشاور طرح آمایش (۱۳۸۲)، **طرح تجدید نظر طرح جامع کرمانشاه**.
۴۴. ناصر الدین شاه (۱۳۸۹)، **سفرنامه ناصرالدین شاه به کربلا و نجف**، خانه تاریخ و تصویر ابریشمی، تهران.